



بررسی تغییرات واکهٔ پسین افراشتهٔ گرد در گونه‌های زبانی استان اصفهان چارچوب واج‌شناسی زایشی

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا^۱
فردوس آفاگل زاده سیلاخوری^۲
شراره هادیان زرکش مقدم^۳

چکیده

در پژوهش حاضر تناوب‌های واکه‌ی پسین گرد در گونه‌های زبانی استان اصفهان، در مقایسه با فارسی معیار مورد بررسی قرار گرفته‌است. داده‌ها از طریق ده ساعت مصاحبه با ده گویشور ۳۰ تا ۶۰ ساله، جمع‌آوری شده و سپس به روش توصیفی-تحلیلی، در چارچوب واج‌شناسی زایشی بررسی شده‌اند. دستاورد مقاله حاضر قاعدهٔ تبدیل واکهٔ افراشته‌ی پسین گرد /u/ به واکهٔ افراشتهٔ پیشین غیرگرد [i] است، در شرایطی که پیش و یا پس از آن آواهای تیغه‌ای به کار رفته باشد. دستاوردها نشان می‌دهند در شش موقعیت واژه‌ها از این قاعده پیروی نمی‌کنند. هنگامی که: ۱- قاعدهٔ «مانع» از ساخت تغییر یافتهٔ واژه‌ای جلوگیری کند. مانند روز. ۲- واکهٔ پسین گرد /u/ به واکهٔ پیشین گرد [y] تبدیل شده باشد. مانند: دود. ۳- واکهٔ [u] رساخت واکهٔ /A/ قبل از خیشومی‌ها باشد. مانند: باغبون. ۴- واکهٔ /u/ قبل از خوشهٔ همخوانی دیده شود. مانند: دوست. ۵- وام‌واژه باشد. مانند: محصول. ۶- کلمات، مربوط به منطقه‌ای خاص یا محلی دیگر باشند. مانند: چوری، خارسو.

کلیدواژه‌ها: واج‌شناسی زایشی، گونه‌های زبانی اصفهان، واکهٔ پسین افراشتهٔ گرد، قاعدهٔ مانع، وام‌واژه.

✉ akord@modares.ac.ir

۱- دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول)

✉ aghagolz@modares.ac.ir

۲- دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس تهران

✉ moghaddam_86@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران

مقدمه

در پژوهش حاضر، تناوب واکه پسین افراشته گرد در گونه‌های زبانی استان اصفهان، در مقایسه با فارسی معیار مورد بررسی قرار می‌گیرد. این واکه همچنین در مواردی در رساخت گونه‌های زبانی مورد بررسی محدوده استان اصفهان بدون تغییر باقی می‌ماند. هدف مقاله حاضر یافتن بافت این تغییر و دلایل مختلف عدم تغییر این واکه می‌باشد. به عبارت دیگر پرسش اول تحقیق این است که در چه بافتی واکه پسین افراشته گرد به واکه پیشین افراشته غیرگرد تبدیل می‌شود؟ پرسش دوم این است که چرا در همین بافت در برخی واژه‌ها این فرایند عمل نمی‌کند؟

پیشینه پژوهش

پرداختن به تمام پیشینه این پژوهش در شمار اندک صفحات این مقاله نمی‌گنجد، از این رو نگارندگان به بررسی چند اثر پرداخته‌اند که بر اساس چارچوب زایشی، فرآیندهای واجی استان‌های مختلف را بررسی کرده‌اند.

شریفی (۱۳۸۷): نگارنده پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را به بررسی نظام آوایی گونه اقلید اختصاص داده است. هدف از این تحقیق بررسی و تحلیل فرآیندهای واجی موجود در گونه اقلید است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش از طریق میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند. دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که در گونه اقلیدی «همگونی، تضعیف، حذف و افراستگی واکه» رایج‌ترین فرآیندهای واجی محسوب می‌شوند.

رزم‌دیده (۱۳۹۰): وی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی تضعیف و تقویت در گونه‌های زبانی استان کرمان پرداخته است. روش جمع‌آوری داده‌های وی میدانی کتابخانه‌ای بوده است. از جمله نتایج پژوهش وی عبارتند از: (۱) علاوه بر همخوان‌های فارسی معیار، همخوان سایشی، ملازی و واک‌دار [ʁ] در این گونه زبانی مشاهده می‌شود. (۲) همخوان /t/ پایانی از گروه‌های دوهمخوانی /ft/, /st/, /xt/, /ft/ در اغلب گونه‌های زبانی کرمان حذف می‌گردد. (۳) پیشوند /bar-/ در اغلب گونه‌های مزبور در جایگاه آغاز هجا به صورت /var-/ تولید می‌شود.

منصف (۱۳۹۰): نگارنده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی فرآیند همگونی در ۱۵ گونه زبانی استان فارس پرداخته است. داده‌های مورد نیاز به دو روش میدانی و اسنادی جمع‌آوری شده‌اند. از جمله اهداف این تحقیق به شرح زیر است: (۱) پی‌بردن به ارتباط میان گونه‌های زبانی استان فارس به لحاظ فرآیند همگونی. (۲) بررسی نحوه عملکرد فرآیند همگونی در این گونه‌های زبانی. از جمله دستاوردهای این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: الف) در ۱۵ گونه زبانی مذکور، همگونی در خوشه‌های دو همخوانی /st-/ و /nd-/ از بسامد بالاتری نسبت به سایر خوشه‌های همخوانی برخوردار است. ب) در این ۱۵ گونه زبانی همگونی در مشخصه تولید پربسامدتر از همگونی در سایر مشخصه‌ها همانند محل تولید و واک‌داری است.

بهزادفر (۱۳۹۱): وی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی فرآیند تضعیف و تقویت در گونه‌های مختلف استان مازندران پرداخته است. روش تحقیق وی به صورت میدانی کتابخانه‌ای می‌باشد. از جمله نتایجی که نگارنده به آن اشاره نموده می‌توان حذف همخوان‌های چاکنایی /ʔ/ و /h/ در پایان واژه یا هجا را نام برد که در مواقعی با کشش جبرانی واکه پیش از این همخوان‌ها همراه است و در واقع نوعی تضعیف به شمار می‌رود. همخوان /b/ در پایانه هجا و میان دو واکه به همخوان پیوسته و واکن‌دار [v] تبدیل می‌شود. همخوان /t/ پایانی از گروه‌های دوهمخوانی /ft/, /xt/, /st/, /ʃt/ در اغلب گونه‌های زبانی این استان حذف می‌گردد (تضعیف).

ثباتی (۱۳۹۲): نگارنده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش به بررسی فرآیندهای تضعیف و تقویت موجود در «پنج» گونه زبانی استان ایلام پرداخته است. از جمله اهداف این پژوهش موارد زیر است: (۱) تبیین چگونگی ارتباط میان گونه‌های زبانی استان ایلام به لحاظ دو فرآیند واجی تضعیف و تقویت. (۲) توصیف دقیق گونه‌های زبانی استان ایلام به لحاظ نظام واج‌شناسی و فرآیندهای واجی موجود در این گونه‌های زبانی. از مهمترین دستاوردهای این پژوهش عبارتند از: الف) واکه‌های /ə/, /e:/ و /y/ در گونه‌های کردی ایلامی وجود دارد. ب) همخوان‌های انسداد چاکنایی و سایش چاکنایی /ʔ/ و /h/ در وام واژه‌های زبان عربی در گونه‌های کردی ایلامی دیده می‌شوند و از طریق وام واژه‌ها وارد این زبان شده‌اند و در زیرساخت واژه‌های اصیل کردی ایلامی وجود ندارند. ج) توزیع همخوان‌های /b/, /ʔ/ و /h/ در گونه‌های کردی ایلامی ناقص است.

مبانی نظری واج‌شناسی زایشی

ثباتی (۱۳۹۲: ۸۸) می‌نویسد: در واج‌شناسی زایشی معیار، شیوه کشف قواعد واجی به صورتی است که از «بازنمایی آوایی» به «بازنمایی زیرین» پیش می‌رویم. در این بررسی داده‌های خام گویشوران ابتدا آوانویسی شده و سپس به کشف و صورت‌بندی قاعده‌ها برای تبدیل بازنمایی زیرین به بازنمایی آوایی مورد قبول پرداخته می‌شود (به نقل از پرمون، ۱۳۸۰: ۴۲).

برای تعیین هریک از دو تناوب واجی به عنوان صورت زیرساختی دو فرضیه در نظر گرفته می‌شود. یکی از فرضیه‌ها با مثال نقض حذف خواهد شد و دیگری با دلایل و شواهد کافی تأیید می‌شود. پس از تأیید فرضیه درست، قاعده‌ای که موجب این تبدیل از زیرساخت تا روساخت، در بافت خاص شده است صورت‌بندی می‌شود.

قواعدی که فرآیندهای واجی متکی به بافت را نشان می‌دهند قواعد حساس گفته می‌شود. این قواعد خاص زبان^۱ هستند.



در سمت چپ این قاعده «تغییر ساختاری^۱» و در سمت راست آن «توصیف ساختاری^۲» دیده می‌شود. خط مورب به این معناست که «در بافت موردنظر» این تغییر صورت می‌گیرد. سمت راست خط مورب نشان‌دهنده بافتی است که در آن واحد واجی یا مشخصه A دچار تغییر می‌شود. قاعده‌های به کار رفته در انگاره اسپیی^۳ قواعد خطی هستند و به صورت مرحله‌ای عمل می‌کنند، یعنی با هر بار اعمال شدن بر صورت زیرین، یک تغییر بر آن اعمال می‌گردد تا در نهایت به تولید بازنمایی آوایی یا صورت اشتقاقی مورد نظر منجر شود (کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۳۰-۳۱).

ثباتی (۱۳۹۲: ۹۰) می‌نویسد: پرمون (۱۳۸۰: ۴۷) به نقل از کنستویچ و کیسه‌برت (۱۹۷۹: ۳۸-۳۹) در روش‌شناسی انگاره آوایی زبان انگلیسی، معتبرترین معیارهای روش‌شناسی را چهار معیار زیر می‌داند:

۱. گرایش‌های جهانی^۴: از دو مشخصه در تناوب A و B، آن مشخصه‌ای که بتواند بدون نیاز به دیگری، به تنهایی در زبان متجلی گردد، احتمالاً بازنمایی زیرین است.
۲. توزیع (سامد وقوع)^۵: از دو مشخصه در تناوب A و B، آنکه توزیع متنوع‌تری دارد، احتمالاً بازنمایی زیرین است.

۳. قابلیت پذیرش آوایی^۶: از دو مشخصه در تناوب A و B، آن مشخصه‌ای که بر اساس منطق آواشناختی پیرامونش، به گونه‌ای پذیرفته‌تر، به دیگری تبدیل گردد، احتمالاً بازنمایی زیرین است.
۴. طبیعی بودن واج‌شناختی^۷: از دو مشخصه در تناوب A و B، آن مشخصه بازنمایی زیرین است که تبدیل قاعده‌مندش به دیگری، حتی الامکان، سابقه‌ای در توصیف‌های پیشین از نظام‌های آوایی زبان‌های مطالعه شده داشته باشد.

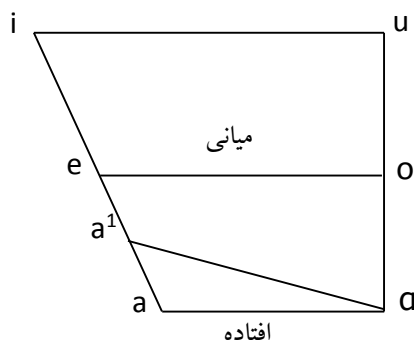
روش پژوهش و ساختار مقاله

تحقیق حاضر به توصیف و تحلیل واکه پسین افراشته گرد و تناوب‌های آن در گونه‌های زبانی استان اصفهان در مقایسه با فارسی معیار می‌پردازد. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، داده‌ها از طریق ده ساعت مصاحبه با ده گویشور ۳۰-۶۰ سال، با سطح سواد ابتدایی و یا بی‌سواد، جمع‌آوری شده است. گویشوران از برخی نقاط شهرستان‌های استان همچون نجف‌آباد، نائین، لنجان، فلاورجان، خمینی شهر (سده)،

-
1. Structural Change
 2. Structural Description
 3. SPE
 4. Universal Tendencies
 5. Distribution (Frequency of Occurrence)
 6. Phonetic Plausibility
 7. Phonological Naturalness

شهرضا و سمیرم، تیران و کرون^۱ و چند محله قدیمی شهری همانند طوقچی، مدرس، ابن‌سینا، رهنان، خانه اصفهان گزینش شده‌اند. سپس اقدام به دسته‌بندی داده‌ها جهت بررسی تناوب‌های واکه پسون افراشته گرد /u/ شده است. جدول دسته‌بندی داده‌ها شامل ۶ ستون است. سعی بر آن بوده تا گونه نوشتاری لغاتی را که در فرهنگ لغت فارسی معیار موجود است در ستون ابتدایی جدول قرار دهیم. اما در برخی گونه‌های زبانی کلماتی موجود است که خاص آن منطقه است و در فرهنگ لغت فارسی معیار موجود نمی‌باشد و یا اگر هم هست به گونه‌ای محاوره‌ای در منطقه مورد بررسی تلفظ می‌شود. بنابراین، گاهی از لغات محلی و یا گونه محاوره معیار در ستون اول استفاده شده است. در ستون دوم واج‌نویسی معیار کلمات بر اساس الفبای آوانگاری بین‌المللی^۲ (کت‌فورد^۳، ۱۹۸۸: ۱-۱۲۰) صورت گرفته است. در تمامی جداول داده‌ها بر اساس تعداد هجای تلفظ محلی و با هر تعداد هجا ابتدا واژه‌های بسیط، سپس مشتق و مرکب ذکر شده‌اند. از آنجایی که اصفهانی یک لهجه محسوب می‌شود، می‌توان داده‌های آن را با فارسی معیار مقایسه کرد. برای تعیین صورت زیرساختی از زبان پهلوی در ستون سوم استفاده شده است، تا بتوان به صورت زیرساختی دست یافت. در مواردی که در ستون پهلوی علامت سؤال دیده شده است، صورت پهلوی واژه در فرهنگ مکنزی موجود نبوده است. در ستون‌های چهارم، پنجم و ششم به ترتیب، آوانگاری روساختی، گونه زبانی و منبع آمده است. در ادامه، نمودار واکه‌ها و جدول همخوان‌های موجود در گونه‌های زبانی بررسی شده معرفی می‌شود.

پسین - گرد افراشته پیشین - غیر گرد



شکل ۱: نمودار واکه‌ها

۱. «تیران و کرون» شهرهای مجاور نجف‌آباد هستند که از داده‌های آنها و همچنین اسم شهر که در لفظ محلی استان اصفهان به شکل [ti.run-o-car.van] تلفظ می‌شود، در پژوهش حاضر استفاده شده است.

2. IPA

3. Catford, J.C

جدول ۱: همخوان‌های موجود در گونه‌های استان اصفهان

محل تولید شیوه تولید	دولبی	لب و دندانی	دندانی	لثوی	لثوی - کامی	کامی	نرمکامی	ملازی	چاکنایی
انسدادی	p b		t d			c ʃ	k g	G	ʔ
سایشی		f v	ʔ	s z	ʃ ʒ			χ	ʰ
انسایشی				ts dz	tʃ dʒ				
تکریری - زنجی			r						
خیشومی	m			n					
ناسوده کناری				l					
نیم واکه (غلت)						j			

ارائه و تحلیل داده‌ها

کلماتی که واکهٔ پسین افراشتهٔ گرد /u/ داشته‌اند، تناوبی میان واکه‌های [u] و [i] دیده شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. برای نمونه واژهٔ «خون» در فارسی معیار به صورت [xun] واج‌نویسی و آوانویسی می‌شود و در گونهٔ فارسی شهرستان سمیرم در جنوب استان اصفهان، این واژه به شکل [xin] تلفظ می‌شود. با بررسی تناوب موجود میان واکه‌های [u] و [i] مشاهده می‌شود، که این تناوب می‌تواند در جایگاه‌های مختلفی از کلمات باشد. برای مثال واژهٔ یک هجایی «خون» [xun] به شکل [xin] در برخی گونه‌های زبانی استان اصفهان تلفظ می‌شود. تناوب موجود میان واکه‌های افراشتهٔ [u] و [i] در این کلمه در یک هجا واقع شده است. کلمهٔ دو هجایی «جوجه» [dʒu.dʒe] در تلفظ محلی سمیرم [dʒi.dʒa] گفته می‌شود و تناوب میان واکه‌های [u] و [i] را در هجای اول یک واژهٔ دو هجایی نشان می‌دهد. واژهٔ «ناخن» در کلمهٔ [na.xin] در گونهٔ زبانی نایین در هستهٔ هجای دوم دیده می‌شود. برای بهتر نشان دادن این تفاوت‌ها، داده‌های زبانی مناطق مورد بررسی به سه دستهٔ کلی تقسیم شده است و در هر دسته داده‌های مرتبط در جدولی مجزا قرار داده شده‌اند. دستهٔ اول واژه‌هایی که در آنها تناوب میان دو واکهٔ مذکور وجود دارد، دستهٔ دوم واژه‌هایی که شرایط تبدیل واکه‌ها مهیا نیست و دستهٔ سوم داده‌های ارائه می‌شوند که شرایط تبدیل واکه در آنها مهیاست، اما به دلایل دیگری فرایند تغییر واکه عمل نکرده است. همان‌طور که اشاره شد، تناوب میان واکه‌های [u] و [i] گاهی در یک تکواژ یک هجایی و گاه در تکواژهایی با بیش از یک هجا با مقوله‌های اسم و صفت و غیره دیده می‌شود. بافت دیگری که این تناوب در آن دیده شده، تصریف افعال بوده است. اکنون به معرفی دسته‌بندی داده‌هایی می‌پردازیم که در آنها تناوب میان دو واکهٔ [u] و [i] به چشم می‌خورد.

۱. این همخوان در شهرستان سمیرم دیده شده است.

۲. این همخوان در خمینی‌شهر (سده) به صورت حلقی تولید شده و با نماد /h/ نشان‌ده می‌شود.

جدول ۲: بررسی تناوب موجود میان واکه‌های [u] و [i] در کلمات یک هجایی

صورت نوشتاری	واج‌نویسی معیار	زبان پهلوی	گونه زبانی	تلفظ	منبع
پوک	puc	?	سمیرم	pic	گوشور
پول	pul	?	سمیرم	pil	گوشور
توت	tut	?	سمیرم	tit	گوشور
خون	xun	xōn	سمیرم	xin	گوشور
دود	dud	dūd	سمیرم	dið	گوشور
دور	dur	dūr	نایین، سمیرم	dir	گوشور
زود	zud	zūd	نجف‌آباد، سمیرم، نائین	zi	گوشور
موش	muf	mušk	نائین	miʃ	گوشور

در داده‌های جدول ۲ مشاهده می‌شود واژه «زود» /zud/ در حداقل سه‌گونه از گونه‌های زبانی بررسی شده از استان اصفهان به شکل [zi] تلفظ می‌شود و در کنار تناوب مورد نظر، در هر سه گونه نجف‌آبادی، سمیرمی و نایینی، همخوان تیغه‌ای لثوی واک‌دار /d/ مانند /bud/ و /dud/ در گونه سمیرمی، این همخوان، به سایشی [ð] تبدیل می‌شود و در نتیجه، این کلمات به صورت [bið] و [dið] تلفظ می‌شوند. قاعده تبدیل انسدادی /d/ به تیغه‌ای واک‌دار سایشی [ð] به فرایند سایشی‌شدگی (spirantization) معروف است و در گونه‌های دیگر زبانی هم نظیر آن بسیار دیده می‌شود. در جدول ۳ به بررسی تناوب میان واکه‌های [u] و [i] در کلماتی می‌پردازیم که بیش از یک هجا دارند.

جدول ۳: تناوب موجود میان دو واکه [u] و [i] در کلماتی با بیش از یک هجا

صورت نوشتاری	واج‌نویسی معیار	زبان پهلوی	گونه زبانی	تلفظ	منبع
انگور	an. ʃur	angūr	نایین	ʔen.ʃir	گوشور
انگور	an. ʃur	angūr	سمیرم	ʔan.ʃir	گوشور
آلو	ʔa.lu	ālūg	سمیرم	ʔa.li	گوشور
بهبود	beh.bud	?	سمیرم	be:.bið	گوشور
پهلوی	pah.lu	pahlūg	سمیرم	Pa:.li	گوشور
طوفان	tu.fan	?	شهرضا	ti.fun	گوشور
چوجه	dʒu.dʒe	?	سمیرم	dʒi.dʒə	گوشور
دوده	du.de	dūdag	سمیرم	di.ðə	گوشور
سوزن	su.zan	sōzan	سمیرم	si.zan	گوشور
کوچه	cu.tse	kōy	سمیرم	ci.tʃə	گوشور
ناخن	na.xun	nāxun	نائین	na.xin	گوشور
هلو	hu.lu	?	نایین	hi.li	گوشور
خربوزه	xar.bu.ze	xarbuz	رهنان	xar.bi.ze	گوشور

همان‌طور که جدول شماره ۳ دیده می‌شود، در ستون‌های مربوط به واج‌نویسی و آوانویسی، مرز هجاهای هر کلمه به‌وسیله نقطه (.) مشخص شده‌اند و کلمه‌ها با این نقاط تقطیع هجایی شده‌اند. در مورد جدول ۳ باید گفت، کلمهٔ آلو با زیرساخت /a.lu/ در گونهٔ سمیرمی در گروه کلمات دو هجایی دارای تناوب میان دو واکه [u] و [i] است. کلمهٔ «شفتالو» که به نوعی میوه از خانوادهٔ «هلو» اشاره دارد، در اکثر گونه‌های زبانی از همان واژهٔ «هلو» برای نامیدن آن استفاده می‌شود. در گونهٔ زبانی سمیرم، کلمهٔ شفتالو که به‌صورت /ʃaf.ta.lu/ واج‌نویسی می‌شود، به شکل [ʃaf.ta.li] تلفظ می‌شود. همچنین کلمهٔ زردآلو با واج‌نویسی /zar.da.lu/ در منطقهٔ سمیرم به‌صورت [zar.da.li] به کار می‌رود. این دو کلمه با تعداد سه هجا هم گروه با کلمهٔ «آلو» در جدول ۳ قرار می‌گیرند که برای پرهیز از تکرار، در جدول نیامده‌اند.

در بارهٔ کلمهٔ «کوچه» در این گروه باید گفت، انسایشی لثوی کامی بیواک /tʃ/ در سمیرم برخلاف شهر اصفهان که به‌صورت انسایشی لثوی بیواک [ts] تلفظ می‌شود، همانند فارسی معیار با انسایشی لثوی کامی [tʃ] تولید می‌شود. در کلمهٔ «کوچه» [ku.tʃe] در سمیرم، واکهٔ پسین [u] به پیشین [i] تبدیل می‌گردد و واکهٔ /e/ در انتهای واژه در سمیرم به‌صورت شوا [ə] تلفظ می‌شود. در واج‌نویسی کلمات فارسی انسدادی‌های کامی /c/ و /ʃ/ در زیر ساخت قرار دارند و اگر در مجاورت آنها واکه‌های پسین قرار گیرد، در روساخت به جفت نرمکامی [k] و [g] تغییر می‌کنند.

دستهٔ سوم مربوط به تناوب موجود میان واکه‌های [u] و [i] در تصریف افعال دیده می‌شود. برای مثال مصدر «بودن» و صیغگان متعدد آن در گونهٔ سمیرمی در جدول ۴ مشاهده می‌شود. در جدول ۴ صیغهٔ اول شخص مفرد ستاک گذشته «بودم»، از مصدر «بودن» در گونهٔ زبانی سمیرم، به شکل [bi.ðom] به کار رفته است. لازم به ذکر است که سوم شخص مفرد «بود» در این گونه به شکل [bið] به کار می‌رود.

جدول ۴: بررسی تناوب موجود میان دو واکه [i] و [u] در تصریف ستاک گذشته از مصدر «بودن»

صورت نوشتاری	واج‌نویسی معیار	زبان پهلوی	گونهٔ زبانی	تلفظ	منبع
بود	bud	būdan (مصدر)	سمیرم	bið	گویشور
بودم	bu.dam	?	سمیرم	bi.ðom	گویشور
بودی	bu.di	?	سمیرم	bi.ði	گویشور
بودیم	bu.dim	?	سمیرم	bi.ðim	گویشور
بودید	bu.did	?	سمیرم	bi.ðið	گویشور
بودند	Bu.dand	?	سمیرم	bi.ðen	گویشور
بوده‌ام	bu.deh.ʔam	?	سمیرم	Bi.ðo.me	گویشور
بوده‌ای	bu.deh.ʔi	?	سمیرم	bi.ðo.mi	گویشور

بررسی داده‌های دسته‌بندی‌شده جدول‌های ۲، ۳ و ۴ در بالا که از گونه‌های زبانی محدوده استان اصفهان جمع‌آوری شده‌اند، نشان می‌دهد که تناوبی میان [i] ~ [u] در انواع واژه‌های یک، دو و سه هجایی وجود دارد. برای تعیین صورت زیر ساختی آن به دو فرضیه اشاره می‌شود:

فرضیه اول: واکه پیشین افراشته غیرگرد [i] صورت زیرساختی است و قاعده‌ای نیاز است تا آن را در مجاورت همخوان‌های تیغه‌ای به واکه پسین افراشته گرد [u] تبدیل نماید.

فرضیه دوم: واکه پسین افراشته گرد [u] صورت زیرساختی است و قاعده‌ای نیاز است تا آن را در مجاورت همخوان‌های تیغه‌ای به واکه پیشین افراشته غیرگرد [i] تبدیل نماید.

فرضیه اول به این دلیل که مثال‌های متناقضی در این گونه زبانی وجود دارد به نظر قابل قبول نمی‌آید. کلمه‌هایی مانند [tiz]، [pa.nir] و [ʔan.dʒir] در گونه زبانی رهنانی موجود هستند، که واکه پیشین افراشته غیرگرد [i] پیش از همخوان‌های تیغه‌ای /z/ و /r/ به کار رفته، اما به واکه پسین افراشته گرد [u] تغییر نیافته است. همچنین در کلمه‌هایی مانند [xɑ.fi.ne] و [ʔɑ.tiʃ] در گونه زبانی سده لنجان باز هم واکه پیشین افراشته غیرگرد [i] بدون تغییر برجا مانده است. از این رو فرضیه اول با چند مثال نقض رد می‌شود.

درباره فرضیه دوم باید گفت در کلماتی همانند [ti.fun]، [dʒi.dʒɑ]، [xɑr.bi.ze]، [nɑ.xin] و [fɑf.tɑ.li] در گونه‌های رهنانی، شهرضایی، سمیرمی، نجف‌آبادی و نائینی، واکه پسین افراشته گرد /u/ در مجاورت همخوان‌های تیغه‌ای مانند [n/ʔ/z/ʔ/dʒ/ /l/ /t/ /d/ /ʃ/] به واکه پیشین افراشته غیرگرد [i] تبدیل شده است. به این ترتیب، از طرفی با ارائه مثال نقض فرضیه اول رد می‌شود و از طرف دیگر، با تعیین قاعده حساس به بافت همخوان‌های تیغه‌ای در مجاورت واکه پسین افراشته گرد موجب تغییر آن به واکه متناظر پیشین، فرضیه دوم تأیید می‌شود. از آنجایی که دو واکه مذکور تنها تفاوتشان در مشخصه پسین است و در بین واکه‌ها یک طبقه طبیعی را تشکیل می‌دهند، امکان شرکت در فرایندهای واجی مشترک و تبدیل به یکدیگر در آنها وجود دارد.

حال فرضیه دوم به صورت قاعده نوشته می‌شود:

$$\text{قاعده ۱. قاعده تبدیل واکه پسین افراشته گرد /u/ به واکه پیشین افراشته غیرگرد [i]}$$

$$\left\{ \begin{array}{l} u \longrightarrow i / \text{---} \underset{[+cor]}{C} \\ u \longrightarrow i / \underset{[+cor]}{C} \text{---} \end{array} \right.$$

قاعده ۱ نشان می‌دهد که واکه پسین افراشته گرد /u/ صورت زیرساختی است و در شرایطی که پیش یا پس از آن همخوان‌های تیغه‌ای به کار رفته باشد، به واکه پیشین افراشته غیرگرد [i] تبدیل می‌شود. این

تبدیل واکه /u/ به [y]

جدول ۵: کلماتی که در آنها واکه پسین افراشته گرد /u/ به واکه پیشین افراشته گرد [y] بدیل شده است.

منبع	تلفظ	گونه زبانی	زبان پهلوی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری
گویشور	byd	سده لنجان	būdan (مصدر)	bud	بود
گویشور	pyc	سده لنجان	?	puc	پوک
گویشور	pyl	سده لنجان	?	pul	پول
گویشور	tyt	سده لنجان	?	tut	توت
گویشور	dyd	نجف‌آباد (مجاورتیران و کرون)	dūd	dud	دود
گویشور	dy	خمینی‌شهر	dūd	dud	دود
گویشور	dyr	نجف‌آباد (مجاورتیران و کرون) خمینی‌شهر	dūr	dur	دور
گویشور	dyG	سده لنجان	?	duG	دوغ
گویشور	zyd	سده لنجان	zūd	zud	زود
گویشور	zy	خمینی‌شهر	zūd	zud	زود
گویشور	fyx	سده لنجان	?	fux	شوخ
گویشور	cytʃ	سده لنجان	?	cutʃ	کوچ
گویشور	cyd	سده لنجان	sargēn	cud	کود
گویشور	cyc	سده لنجان	?	cuc	کوک
گویشور	cyh	نجف‌آباد (مجاورتیران و کرون)	kōf	cuh	کوه
گویشور	fʏʃ	سده لنجان	gōš	fʏʃ	گوش
گویشور	fʏʃ	نجف‌آباد (مجاورتیران و کرون) سده لنجان	gōšt	fʏʃt	گوشت
گویشور	my	خمینی‌شهر	mōy	mu	مو
گویشور	beh.byd	سده لنجان	?	beh.bud	به‌بود
گویشور	pah.ly	سده لنجان	pahlūg	pah.lu	پهللو
گویشور	xy.fe	سده لنجان	hōšag	xu.fe	خوشه
گویشور	dy.de	سده لنجان	dūdag	du.de	دوده



سوزن	su.zan	sōzan	سده لنجان	sy.zan	گویشور
کوچه	cu.tʃe	kōy	نجف‌آباد (مجاورتیران و کرون) سده لنجان	cy.tʃe	گویشور
کوره	cu.re	brēzag	سده لنجان	cy.re	گویشور
کوزه	cu.ze	xumb	نجف‌آباد (مجاورتیران و کرون) خمینی‌شهر	cy.ze	گویشور
موزه	mu.ze	mōzag	سده لنجان	my.ze	گویشور

در واقع حضور همخوان‌های تیغه‌ای در مجاورت واکه /u/ موجب تغییر آن به واکه متناظر پیشین می‌شود. بررسی داده‌های جدول ۵ و داده‌های متنوع‌تر و بیشتر از گونه‌های زبانی این استان نشان می‌دهد که حضور واکه پیشین افراشته گرد در این گونه‌ها موجب تبدیل واکه پسین افراشته گرد /u/ به جفت متناظر پیشین افراشته گرد [y] به جای [i]، شده است. بسامد بیشتری از این دسته از کلمات در منطقه تیران و کرون که شهرستانی است در همسایگی نجف‌آباد به چشم می‌خورد. همخوان‌های /z/، /tʃ/، /j/ جزء همخوان‌های تیغه‌ای محسوب می‌شوند و در این منطقه واکه پسین افراشته گرد /u/ به واکه پیشین افراشته گرد [y] که از واکه‌های این گونه‌ها به‌شمار می‌رود، تبدیل می‌شود. ضمن تغییر واکه، انسدادی‌های نرم‌کامی /k/ و /g/ هم جهت هماهنگی بیشتر در تلفظ کامی می‌شوند. در ساخت آوایی گونه تیرانی و کرونی این انسدادی‌ها با نماد جفت‌های کامی خود یعنی [c] و [ʃ] نشان داده شده‌اند. «پیشین‌شدگی» (fronting) فرایندی واجی است که در طی تلفظ یک واحد واجی، مخصوصاً واکه، به جلوی دهان نزدیک‌تر می‌شود (تراسک، ۱۹۹۶: ۹۳). به عبارت دیگر، جلوآمدن یک واکه غیرپیشین و تبدیل آن به یک واکه پیشین تحت این فرایند نامیده می‌شود.

هایمن (۱۹۷۵: ۶۱) می‌نویسد: «همخوان‌های لبی و نرم‌کامی مانند /p/ و /k/ در یک ویژگی آکوستیکی مشترک‌اند که همخوانی تیغه‌ای مانند /t/ فاقد آن است. همخوان‌های /p/ و /k/ به دلیل آنکه در دو انتهای حفره دهان یعنی یکی در لب‌ها و دیگری در نرم‌کام تولید می‌شوند، موجب تمرکز انرژی در بسامدهای پایین‌تر آوایی می‌گردند. از آنجایی که صداهای دندانی - لثوی و کامی حفره دهان را به دو بخش تقسیم می‌کنند، در تولید آنها دو حفره کوچک‌تر دهانی بوجود می‌آید. در نتیجه، همه این صداها در متمرکز کردن انرژی در بسامدهای بالاتر آکوستیکی شرکت دارند. این تمایز صوت‌شناختی مستقیماً جزئی از نظام مشخصه‌ها را تشکیل می‌دهد. از این‌رو گفته می‌شود که همخوان‌های لبی و نرم‌کامی دارای مشخصه فرونوائی یا نواختار پایین (grave) و همخوان‌های لثوی و کامی دارای خصوصیت برنوائی یا نواختار بالا (acute) می‌باشند. هایمن (همان) در مورد واکه‌ها به لحاظ مشخصه فرونوائی و برنوائی می‌نویسد: «واکه‌های پسین نیز همچون همخوان‌های لبی و نرم‌کامی، در انتهای حفره دهان تولید می‌شوند؛ زیرا زبان در قسمت عقب دهان افراشته می‌شود. واکه‌های پیشین، همانند همخوان‌های لثوی - دندانی و کامی در

ناحیه غیر انتهایی (یا میانی) حفره دهان تولید می‌شوند، زیرا زبان در قسمت مرکز دهان افراشته می‌شود. در نتیجه هم همخوان‌ها و هم واکه‌ها به لحاظ مشخصه برنوائی و فرونوائی متفاوت می‌شوند.

در این بخش از مقاله به داده‌هایی پرداخته می‌شود که در آنها فرایند تبدیل واکه /u/ به [i] رخ نداده است.

واژه‌هایی که بافت مورد نیاز برای تبدیل واکه /u/ به [i] را دارا نمی‌باشند:

کلمه‌ای مانند «چاقو» /tʃa.Gu/ به همان صورت [tʃa.Gu] بدون تغییر واکه افراشته باقی می‌ماند که گویای دارا بودن مشخصه فرونوا به صورت مشترک بین همخوان ملازی و واکه پسین افراشته گرد است. در کلمه چاقو، همخوان انسدادی ملازی /G/ که در مجاورت واکه [u] قرار گرفته است، همخوان تیغه‌ای نیست و بنابراین بافت مورد نیاز برای تبدیل واکه /u/ به [i] را دارا نمی‌باشد. نمونه‌های جدول ۶ از این قسم هستند:

جدول ۶: کلماتی که در آنها واکه /u/ تغییر نکرده است.

صورت نوشتاری	واج‌نویسی معیار	زبان پهلوی	گونه زبانی	تلفظ	منبع
بوق	buG	?	رهنان	buG	گوشور
بو	bu	?	سمیرم	bu	گوشور
قو	Gu	?	مدرس	Gu	گوشور
مو	mu	mōy	نجف‌آباد	mu	گوشور
بومی	bu.mi	ādehīg	سمیرم	bu.mi	گوشور
عمو	a.mu	?	نجف‌آباد	?a.mu	گوشور
عمومی	o.mu.mi	amaragān عموم	نجف‌آباد	?o.mu.mi	گوشور

در داده‌های جدول ۶ در مجاورت واکه پسین افراشته گرد /u/ همخوان‌های تیغه‌ای با مشخصه برنوا حضور ندارند. به عبارت دیگر، همخوان‌های مجاور این واکه از جایگاه‌های تولیدی دولبی مانند m و b یا ملازی مانند G دیده می‌شوند که دارای مشخصه فرونوا مشترک با واکه پسین افراشته گرد هستند.

واژه‌هایی که بافت مورد نیاز برای تبدیل واکه /u/ به [i] را دارا می‌باشند، اما تبدیل صورت نگرفته است:

داده‌هایی که تحت قاعده قرار نگرفته‌اند با اینکه شرایط مثبت تیغه‌ای همخوان مجاور واکه پسین گرد /u/ را دارا هستند، قابل تبیین و توجیه هستند. تاکنون در داده‌هایی که بررسی شده، اگر همخوان‌های تیغه‌ای در مجاورت واکه افراشته پسین گرد /u/ قرار می‌گرفتند، موجب تغییر این واکه به جفت پیشین و کامی آن می‌شدند. اما در بررسی بیشتر، کلمه‌های دیگری مشاهده شد که بافت مورد نظر در آنها موجود بوده اما واکه /u/ در گونه‌های مورد پژوهش در آن کلمات بدون تغییر برجای مانده است. به‌عنوان مثال کلمه «روز» که به صورت /ruz/ واج‌نویسی می‌شود، در گونه سمیرمی به صورت [rɪz] تلفظ نمی‌شود و تلفظ واکه /u/ را در خود

حفظ کرده‌است. این در حالی‌ست که هر دو همخوان [r] و [z] در دو طرف واکه /u/ همخوان‌های تیغه‌ای بوده‌اند. بنابراین باید دلیل دیگری داشته باشد که تبدیل /u/ به [i] در این قسم کلمات با وجود رعایت بافت مربوط به قاعده، صورت نگرفته است. اکنون به دسته‌بندی این قسم کلمات می‌پردازیم و برای هر گروه به‌طور مجزا جدولی اختصاص داده شده است که دلیل عدم تغییر تلفظ داده‌ها از طریق آن نشان داده شده است.

الف) قاعده مانع:

گروه اول کلماتی هستند که قاعده «مانع» (blocking) در آنها از عملکرد قاعده و تغییر تلفظ جلوگیری می‌کند. کریستال^۱ (۵۷: ۲۰۰۸)، «مانع» را در ساختواژه حالتی می‌داند که در آن شباهت به یک صورت آوایی موجود از پیش در یک زبان، از ساخت لغت جدیدی به همان شکل در آن زبان جلوگیری می‌کند. در جدول ۱ به نمونه‌های بیشتری از این قسم اشاره می‌شود:

جدول ۷: کلماتی که در آنها واکه /u/ به [i] تغییر نکرده‌است.

منبع	تلفظ	گونه زبانی	زبان پهلوی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری
گوشور	tur	نجف‌آباد	dām	tur	تور
گوشور	rud	طوقچی	rōd	rud	رود
گوشور	ruz	سده لنجان	rōz	ruz	روز
گوشور	sur	شهرضا	sūr	sur	سور
گوشور	ʃur	سمیرم	sōr	ʃur	شور
گوشور	muʃ	خمینی‌شهر	mušk	muʃ	موش
گوشور	nuʃ	مدرس	?	nuʃ	نوش
گوشور	ru.de	فلاورجان	rōdīg	ru.de	روده
گوشور	ru.ze	مدرس	rōzag	ru.ze	روزه
گوشور	tu.ri	درچه	?	tu.ri	توری
گوشور	su.ret	ابن سینا	?	su.rat	صورت

در نمونه‌های جدول ۷ شاهد پدیده «مانع» هستیم. برای مثال در کلمه «روزه» /ruze/ هر دو همخوان مجاور واکه پسین گرد /u/ یعنی [r] و [z]، از همخوان‌های تیغه‌ای هستند، اما واکه پسین گرد /u/ در این کلمه، به واکه پیشین [i] تغییر تلفظ نمی‌دهد، به این علت که کلمه «ریزه» /rize/ از پیش در گونه زبانی منطقه مدرس موجود است و اگر این کلمه تولید شود، با کلمه موجود ابهام ایجاد می‌کند. در منطقه مدرس، کلمه «ریزه» زمانی استفاده می‌شود که به جسم یا شیء بسیار کوچکی اشاره شود، مثلاً در مورد اشخاص

1. Crystal, D.

می‌توان گفت: «فلان شخص ریزه میزه است». یا «فلان چیز ریزه است». به همین دلیل، حضور جفت کمینه‌های موجود با واکه پیشین [i] مانع از تبدیل واکه پسین گرد /u/ به واکه پیشین غیر گرد [i] شده است. در واقع حضور واژه «ریزه» در این گونه‌ها مانعی بر سر راه تبدیل واژه‌ای چون «روزه» به «ریزه» می‌شود. مواردی مشابه داده‌های جدول ۷ در این گونه‌ها فراوان است، از جمله کلمات: تور، رود، نوش، سور، شور، موش، روده، روزه، که به دلیل حضور کلماتی چون «تیر، نیش، سیر، شیر» از پیش در گونه‌های زبانی مورد پژوهش، در آنها واکه پسین گرد /u/ طبق قاعده به واکه پیشین [i] تبدیل نمی‌شود. این مانع همان‌طور که ذکر شد، برای جلوگیری از ابهام است.

اگر پیش از تبدیل و اعمال قاعده، جفت کمینه مورد نظر، مثلاً «میش» در گونه زبانی مورد پژوهش موجود باشد، دیگر طبق قاعده مانع، کلمه «موش» که در آن سایشی تیغه‌ای /j/ پس از واکه پسین گرد /u/ قرار دارد، به کلمه [miʃ] تبدیل نمی‌شود، اما در منطقه نایین، کلمه /muʃ/ به [miʃ] تبدیل می‌شود و طبق قاعده عمل می‌کند و هیچ مانعی بر سر راه این تبدیل نیست، زیرا در گونه نایینی، برای اشاره به گوسفند ماده از کلمه [meʃ] استفاده می‌شود که ابهام معنایی با کلمه [miʃ] به وجود نمی‌آید. در کلمات /pust/ و /dust/ در گونه اصفهانی به علت وجود خوشه همخوانی -st در پایان کلمه، انسدادی تیغه‌ای /t/ از انتهای کلمه حذف می‌شود و در برخی گونه‌ها برای جبران مدت زمان تولید کلمه به‌ازای یک مورا کشش جبرانی پس از واکه افزاشته پسین گرد /u/ ایجاد می‌شود. بنابراین کلمه‌های «پوست» و «دوست» در گونه اصفهانی [pu:s] و [du:s] تلفظ می‌شوند. در این دو کلمه نیز مانع بر سر تبدیل واکه /u/ به [i] هست. با اینکه سایش تیغه‌ای [s] پس از واکه /u/ قرار گرفته، اما در گونه اصفهانی کلمه «پیس» در اصطلاح «لک و پیس» به معنای لکه‌های روی صورت و کلمه «دیس» به معنی بشقاب بزرگی که پلو در آن می‌کشند و بر سر سفره می‌آورند، از پیش موجوداند و بنابراین تبدیل در این موارد هم صورت نمی‌گیرد. کلمه «دوش» به معنی «دوش گرفتن» هم شرایط تبدیل را داراست، اما به دلیل وجود وام‌واژه [diʃ] به معنی «دیش ماهواره»، تبدیل در این مورد هم صورت نگرفته‌است.

ب) کلماتی که دارای خوشه همخوانی پایانی هستند:

جدول ۸: کلماتی که در آنها واکه /u/ قبل از خوشه همخوانی دیده می‌شود.

منبع	تلفظ	گونه زبانی	زبان پهلوی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری
گوشور	xurd	فلاورجان	?	xurd	خورد
گوشور	duxd	سده لنجان	dōxtan (مصدر)	duxtd	دوخت
گوشور	dust	نجف‌آباد	dōst	dust	دوست
گوشور	sucs	ابن سینا	?	susk	سوسک
گوشور	kuʃc	سده لنجان	kōšk	cuʃc	کوشک
گوشور	murd	درچه	mōrd	murd	مورد (نام گیاه)
گوشور	surt.me	مدرس	?	surt.me	سورتمه

در کلیه داده‌هایی که در آنها خوشه همخوانی پایانی وجود دارد، تغییر واکه در آنها دیده نشده و تلفظ واکه افراشته پسین و گرد [u] محفوظ مانده است. با این که کلمه «دوز» /duz/ در سده لنجان به شکل [dyz] تولید می‌شود، واژه «دوخت» در همین گونه زبانی به صورت [duxt] تلفظ می‌شود که ناشی از حضور خوشه همخوانی در پایان کلمه است.

ج) کلماتی که در آنها واکه افراشته پسین و گرد [u] صورت تغییر یافته واکه /a/ است: در گروه سوم با وجود شرایط تیغه‌ای بودن همخوان مجاور، واکه پسین گرد u در روساخت تولیدی حضور دارد. برای مثال کلمه [barun] در این گونه‌های زبانی واکه افراشته پسین و گرد را در کنار همخوان‌های تیغه‌ای نشان می‌دهد. به این دلیل که بازنمایی [barun] در واقع صورت تغییر یافته بازنمایی زیرساختی /baran/ است. واکه افتاده پسین /a/ پیش از همخوان‌های خیشومی /m/ و /n/ به واکه افراشته پسین گرد [u] تبدیل می‌شود. این قاعده افراستگی واکه پیش از همخوان خیشومی در زبان فارسی متداول است و نمونه‌های آن در سایر گونه‌های زبانی ایرانی بسیار دیده می‌شود.

جدول ۹: کلماتی که در آنها واکه [u] صورت تغییر یافته واکه /a/ است:

صورت نوشتاری	واج‌نویسی معیار	زبان پهلوی	گونه زبانی	تلفظ	منبع
ران	ran	rān	نجف‌آباد	run	گویشور
آسان	a.san	āsān	درچه	?a.sun	گویشور
باران	ba.ran	wārān	رهنان	ba.run	گویشور
باغبان	baG.ban	bōyestānbān	خانه‌اصفهان	baG.bun	گویشور
بدان	'be.dan	?	درچه	'be.dun	گویشور
تهران	teh.ran	?	نجف‌آباد	te:.run	گویشور
تیران	ti.ran	?	نجف‌آباد	ti.run	گویشور
دانا	da.na	dānāg	نجف‌آباد	du.na	گویشور
دندان	dan.dan	danđn	خانه‌اصفهان	dan.dun	گویشور
ناودان	nav.dan	?	مدرس	nav.dun	گویشور
خیابان	xe.ja.ban	?	فلاورجان	xi.ja.bun	گویشور
استخوان	os.to.xan	astuxān	سده لنجان	?os.so.xun	گویشور

در ستون مربوط به کلمات پهلوی در جدول، معادل فارسی نوشتاری به زبان پهلوی نگاشته شده است. در کلمه [?os.to.xun] به جهت سهولت در امر تولید و تلفظ، همگونی پس‌رو در مشخصه نحوه تولید یا بست تولیدی رخ داده و همخوان /t/ به [s] تبدیل شده است. هرگاه ابتدا همخوان سایشی بی واک /s/ و سپس همخوان انسدادی بی واک /t/ به‌طور متوالی در مرز دو هجا واقع شوند این همگونی اتفاق می‌افتد. از آنجایی که دو همخوان متوالی بیواک با جایگاه تولید یکسان در مرز دو هجا قرار گرفته باشند، تشدید بوجود

آمده و همگونی کامل رخ می‌دهد که از نوع تشدید عارضی است. این کلمه در گونهٔ محلی بسیاری از نقاط استان اصفهان به شکل [os.so.xun] تلفظ می‌شود. در کلمهٔ [te:.run] هم همخوان سایشی چاکنایی /h/ از کلمه حذف می‌شود و به جای آن کشش جبرانی بر روی واکهٔ پیشین میانی /e/ انجام می‌گیرد. تکیه در کلمهٔ [be.dun] بر روی هجای اول با علامت (˘) نشان داده شده است. این کلمه صورت محاورهٔ صیغهٔ امر از مصدر «دانستن» است. در کلمات «آسان» و «استخوان» هم در روستا ساخت آوایی، فرآیند درج همخوان انسدادی چاکنایی وجود دارد. کلماتی که در فارسی با واکه آغاز می‌شوند، در روستا ساخت یک انسداد چاکنایی در ابتدای واژه درج می‌شود.

د) وام‌واژه‌ها در گونه‌های استان اصفهان

جدول ۱۰: وام‌واژه‌هایی که در گونه‌های زبانی استان اصفهان وارد شده‌اند

و در اصل فارسی سره نیستند.

صورت نوشتاری	واج‌نویسی معیار	زبان پهلوی	گونهٔ زبانی	تلفظ	منبع
نور	nur	—	فلاورجان	nur	گویشور
اصول	o.sul	—	مدرس	ʔu.sul	گویشور
حدود	ho.dud	—	سمیرم	hu.dud	گویشور
سجود	so.dʒud	—	خانه‌اصفهان	su.dʒud	گویشور
محدود	mah.dud	—	سمیرم	mah.dud	گویشور
محصول	mah.sul	—	نابین	mah.sul	گویشور
مردود	mar.dud	—	نجف‌آباد	mar.dud	گویشور
مغرور	maG.rur	—	شهرضا	maG.rur	گویشور
نفوذ	no.fuz	—	خانه‌اصفهان	nu.fuz	گویشور

در برخی واژه‌های جدول ۱۰ از جمله «اصول، حدود، سجود، نفوذ» در اثر هماهنگی واکه‌ها، واکهٔ میانی /o/ موجود در هجای اول، با واکهٔ پسین افزاشته و گرد هجای دوم همگون شده و به واکهٔ افزاشته [u] تبدیل می‌شود.

ه) کلمات بومی و محلی رایج در سایر گونه‌ها که در فارسی معیار هم به کار نمی‌روند. دستهٔ آخر، کلماتی بومی و محلی خاص برخی مناطق که به گونه‌های مجاور منتقل شده‌اند و در فارسی معیار نیز وجود ندارند.

جدول ۱۱. داده‌های خاص برخی گونه‌های زبانی استان اصفهان که در تبادل زبانی به گونه‌های مجاور منتقل شده‌اند.

منبع	تلفظ	گونه زبانی	زبان پهلوی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری
گویشور	dul	ابن سینا - رهنان -	dōl	-	دول (سطل)
گویشور	tsu.ri	ابن سینا	-	-	چوری
گویشور	xar.su	رهنان - خانه‌اصفهان	?	-	خارسو
گویشور	du.lab	ابن سینا - رهنان -	?	-	دولاب
گویشور	bow.su.re	رهنان - خانه‌اصفهان	?	-	بوسوره
گویشور	Gu.zu.li	درچه	-	-	قوزولی
گویشور	ca.tu.ne	مدرس	-	-	کتونه

نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی واکهٔ پسین گرد در گونه‌های زبانی استان اصفهان و بررسی تناوب‌های آن در مقایسه با فارسی معیار پرداخته شده است. دستاورد بررسی داده‌های پژوهش حاضر در نقاط مختلف استان اصفهان، قاعده‌ای در خصوص تبدیل واکهٔ پسین افراشتهٔ گرد /u/ به واکهٔ پیشین افراشتهٔ غیرگرد [i] بوده است. این قاعده بیانگر اینست که واکهٔ پسین افراشتهٔ گرد /u/ صورت زیرساختی است که در مجاورت تیغه‌ای‌ها، به واکهٔ پیشین افراشتهٔ غیرگرد [i] تبدیل می‌شود. بررسی داده‌های بیشتر نشان می‌دهد که با وجود شرایط و بافت لازم، در شش دسته از واژه‌ها این قاعده عمل نمی‌کند: (۱) کلماتی که قاعدهٔ «مانع» در آنها از ساخت تغییر داده‌شدهٔ تلفظ جلوگیری می‌کند. مانند: روز، سور، شور، موش. (۲) گونه‌هایی که در آنها واکهٔ پیشین افراشته و گرد [y] وجود دارد، واکهٔ پسین گرد /u/ به واکهٔ پیشین گرد [y] تبدیل می‌شود. مانند: دود، توت. (۳) کلماتی که در آنها واکهٔ [u] صورت تغییر یافتهٔ واکهٔ /a/ هست. مانند: باغبون، تهرون. (۴) کلماتی که در آنها واکهٔ /u/ پیش از خوشهٔ همخوانی آمده است. مانند: دوست، سوسک، کوشک. (۵) وام‌واژه‌ها: بخصوص وام‌واژه‌های عربی که در زبان فارسی معیار و گونه‌های ایرانی وارد شده‌اند. مانند: محدود، محصول، مردود. (۶) کلمات بومی و منطقه‌ای که خاص گونه‌های زبانی برخی مناطق استان اصفهان است و در انتقال زبانی به گونه‌های مجاور وارد شده‌اند و در زبان فارسی معیار نیز وجود ندارند. مانند: چوری، خارسو، دولاب، بوسوره.

منابع

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد (۱۳۷۵)، *زبان پهلوی*، تهران: انتشارات معین.
- بهزادفر، آتنا (۱۳۹۱)، بررسی فرآیند تضعیف و تقویت در گونه‌های مختلف استان مازندران: رویکرد واج‌شناسی زایشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- پرمون، یدالله (۱۳۸۰)، نظام آوایی فارسی محاوره‌ای معیار امروز: رویکردی زایشی، وزنی (عروضی) و واژگانی، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- پورعابدی نائینی، سید حسن (۱۳۹۱)، «مقدمه‌ای بر واج‌شناسی گویش نائینی»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۹-۳۶، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی.
- ثباتی، الهام (۱۳۹۲)، فرآیندهای تضعیف و تقویت در کردی ایلامی: رویکرد واج‌شناسی زایشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ثمره، یدالله (۱۳۶۴)، *آواشناسی زبان فارسی، آواها و ساخت آوایی هجاها*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۵۶)، *آواشناسی (فونتیک)*، تهران: نشر آگاه.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۸)، *زبان‌شناسی نظری*، تهران: انتشارات سخن.
- شریفی، گوهر (۱۳۸۷)، بررسی نظام آوایی گونه اقلید در چارچوب واج‌شناسی زایشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۵)، *واج‌شناسی (رویکردهای قاعده‌بنیاد)*، تهران: سمت.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه؛ نعمتی، فاطمه (زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶)، «برخی فرایندهای اوجی در گویش دلواری»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۶۳ و ۶۴: ۱۸۱-۲۰۸، تهران: دانشگاه الزهراء (س).
- کلباسی، ایران (۱۳۷۰)، *فارسی اصفهانی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مکنزی، دیویل نیل (۱۳۷۹)، *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، به ترجمه مهشید میر فخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هایمن، لاری ام (۱۳۶۸)، *نظام آوایی زبان، نظریه و تحلیل*، به ترجمه یدالله ثمره، تهران: فرهنگ معاصر.
- Carr, Philip (2008), *A Glossary of Phonology*. Edinburgh University Press.
- Catford, J.C. (1988), *A Practical Introduction to Phonetics*. New York: Oxford1
- Crystal, D. (1992), *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*. Blackwell.
- Crystal, D. (2003), *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Blackwell.
- Jensen, J.T. (2004), *Principles of Generative Phonology: an Introduction*. University of Ottawa.
- Kenstowicz, M. (1994), *Phonology in Generative Grammar*. UK: Blackwell publishing.
- Ladefoged, P. (1982), *A Course in Phonetics*. New York: Harcourt Brace Jovanivich.